

# بیبی قشقوق ۴

## فاجعه پز زبردست

نویسنده: جوآنا نادین  
تصویرگر: جس میخائیل  
مترجم: مونا توحیدی





PENNY DREADFUL COOKS UP A CALAMITY  
Copyright © Joanna Nadin, 2012  
Cover and text artwork by permission of Usborne  
Publishing Limited, Copyright ©2012 Usborne  
Publishing Ltd.

نشر هوپا با همکاری آژانس ادبی کیا در چهارچوب قانون  
بین‌المللی حق انحصاری نشر اثر (Copyright)، امتیاز انتشار  
ترجمه‌ی فارسی این کتاب را در سراسر دنیا با بستن قرارداد  
از نویسنده‌ی آن Joanna Nadin، و ناشر آن Usborne،  
خریداری کرده است.

### رعایت «کپی‌رایت» یعنی چه؟

یعنی «نشر هوپا» از نویسنده‌ی کتاب، جوآنا نادین، و ناشر  
خارجی آن، آژبورن، برای چاپ این کتاب به زبان فارسی  
در ایران و همه‌جای دنیا اجازه گرفته و بابت انتشارش،  
سهم نویسنده، یعنی صاحب واقعی کتاب را پرداخت کرده  
است.

اگر هر ناشری غیر از هوپا، این کتاب را به زبان فارسی در  
ایران یا هر جای دنیا چاپ کند، بدون اجازه و رضایت  
جوآنا نادین این کار را کرده است.



سرشناسه: نادین، جوآنا  
Nadin, Joanna

عنوان و نام پدیدآور: فاجعه‌ی پز زبردست/ نویسنده جوآنا نادین؛ تصویرگر جس میخائیل؛  
مترجم مونا توحیدی‌صفت.  
مشخصات نشر: تهران: هوپا، ۱۳۹۶.  
مشخصات ظاهری: ۱۴۹ص: مصور.  
فروست: پنی قشقرق؛ ۴.

شابک: ۹۴-۷-۹۶۵۵-۶۰۰-۹۷۸-۶۰۰-۸۸۶۹-۱۸-۴ دوره: ۹۷۸-۶۰۰-۸۶۵۵-۹۴-۷

وضعیت فهرست نویسی: فیبا  
یادداشت: عنوان اصلی: Penny Dreadful cooks up a calamity, 2012.  
یادداشت: گروه سنی: بچ.

موضوع: داستان‌های کودکان انگلیسی  
موضوع: Children's stories, English

موضوع: داستان‌های کوتاه  
موضوع: Short stories

شناسه افزوده: میخائیل، جس، تصویرگر  
شناسه افزوده: Mikhail, Jess

شناسه افزوده: توحیدی‌صفت، مونا، ۱۳۶۴ - مترجم  
رده بندی دیویی: ۱۳۹۶ ف ۱۳۹/۹۲ ۵۸۲۳/۹۲  
شماره کتابشناسی ملی: ۴۹۲۳۱۳۷

## پنی قشقرق ۴ فاجعه‌ی پز زبردست

نویسنده: جوآنا نادین  
تصویرگر: جس میخائیل  
مترجم: مونا توحیدی  
ویراستار: نسرین نوش امینی  
مدیر هنری: فرشاد رستمی  
طراح گرافیک: فائزه فغفوری  
ناظر چاپ: سینا برازوان  
لینوگرافی، چاپ و صحافی: واژه پرداز اندیشه  
چاپ اول: ۱۳۹۷  
تیراژ: ۲۰۰۰ نسخه  
قیمت: ۱۶۰۰۰ تومان  
شابک دوره: ۹۴-۷-۹۶۵۵-۶۰۰-۹۷۸-۶۰۰-۸۸۶۹-۱۸-۴  
شابک: ۹۴-۷-۹۶۵۵-۶۰۰-۹۷۸-۶۰۰-۸۸۶۹-۱۸-۴

هوپا  
Hoopa

آدرس: تهران، میدان فاطمی، خیابان بیستون، کوچه‌ی دوم الف، پلاک ۳/۱، واحد  
دوم غربی، صندوق پستی: ۱۴۳۱۶۵۳۷۶۵ تلفن: ۸۸۹۹۸۶۴۰  
www.hoopa.ir info@hoopa.ir

همه‌ی حقوق چاپ و نشر انحصاراً برای نشر هوپا محفوظ است.  
هر گونه استفاده از متن این کتاب، فقط برای نقد و معرفی و در قالب بخش‌هایی  
از آن مجاز است.



تقدیریم به تمام بچه‌های خانواده‌ی میسون،  
که پُر از ایده‌های درخشان منصرفه‌فرد اند.



# پلنی قشقرق

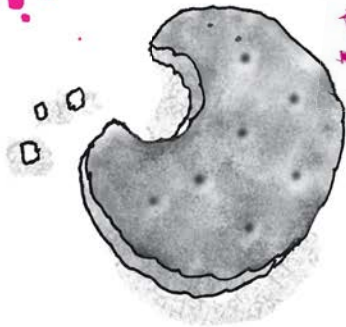
و اردوی مدرسه



پنج پیشنهاد درجه یک

# پلنی قشقرق

برای دفع بلا



صفحه‌ی ۱۴۰

# پلنی قشقرق

زندگی تازه‌ای شروع می‌کند



# پلنی قشقرق

و آرزوی روز تولد



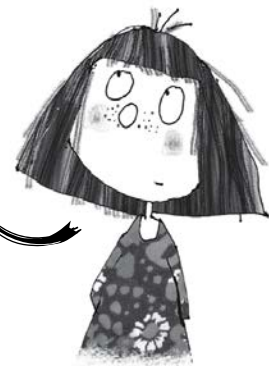


# با پنی قشقرق

و خامیل‌های بینوایش آشنا شوید:

پنی

(که هیچ وقت هیچ خراب کاری ای  
تقصیر او نیست.)



جورجیامی مورتون جونز  
(دختر عمه‌ی باهوش پنی)

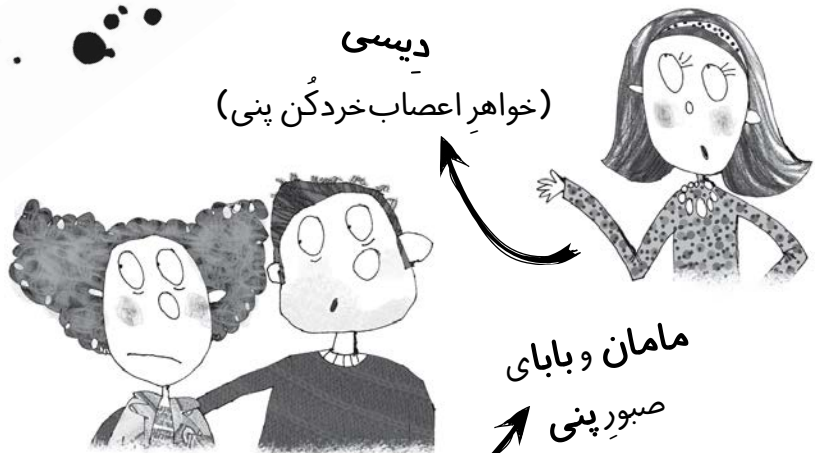


کاسمو

(بهترین دوست پنی که تازگی‌ها  
کله‌اش را از ته کچل کرده.)



دِیسی  
(خواهر اعصاب خردکن پنی)

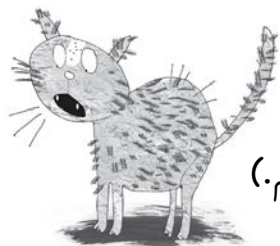
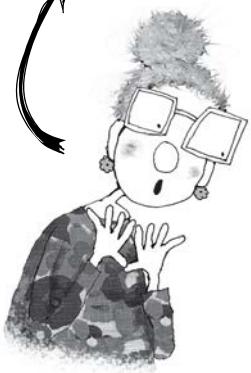


مامان و بابای  
صبور پنی

عمه دیدی  
عصاقورت داده



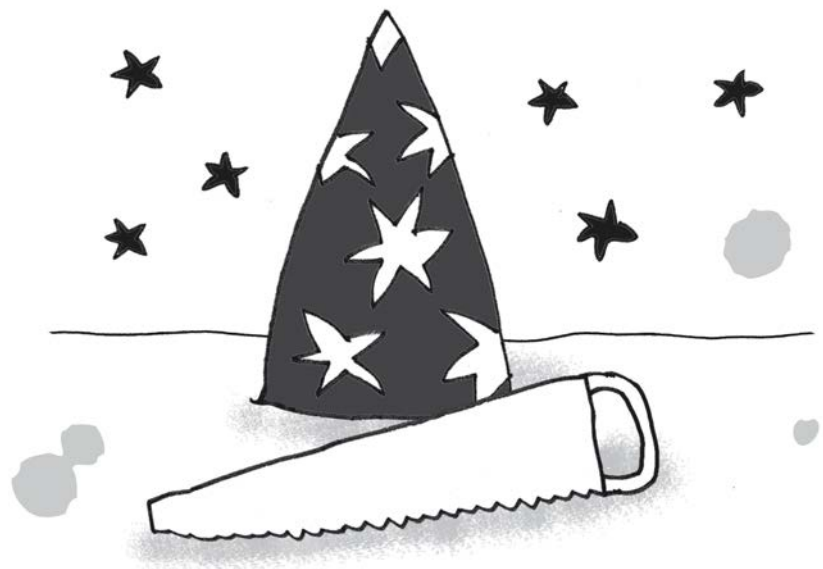
مامان بزرگ  
(که بیشتر وقت‌ها گوشه‌ای  
چرت می‌زند.)



بری  
(میو! من گربه‌ی مامان بزرگم.)

پنی قشقرق

زندگی تازه‌ای  
شروع می‌کند



# راستش را بخواهید اسم من واقعاً پنی قشقرق نیست، پیلوپه جونز است!

لقب «قشقرق» را بابایم  
به شوخی گذاشته روی  
من. به خاطر این می‌گویم  
به شوخی، چون که هر وقت  
این را می‌گوید، مثلِ غاز  
قات‌قات می‌خندد. من که  
نمی‌دانم کجایش خنده‌دار

است. تازه من اصلاً هم قشقرق نیستم، فقط به  
قولِ مامان بزرگ «آهن‌رُیایِ دردسر» ام.  
مامان می‌گوید اگر مامان بزرگ همان قدر که  
حواسش به خریدنِ دستگیره‌های رنگ‌ووارنگِ



و خواهرِ بزرگم، دیسی (که خیلی اعصاب خردکن است) داشتیم  
سریالِ تلویزیونی نجاتِ حیوانات را تماشا می‌کردیم. همان  
سریالی که همیشه تویش حیواناتی تا پای مرگ می‌روند، اما  
بعدش به‌طور معجزه‌آسایی زنده می‌مانند.



آشپزخانه است، حواسش به من هم بود، این‌قدر در دسر درست  
نمی‌کردم. مامان بزرگ هم می‌گوید اگر مامان همه‌اش سرگرم  
جواب‌دادن به تلفن‌های دکترسیمنت نبود (رئیس مامان را  
می‌گوید که چشم‌هایش مثل دو تا تخم‌مرغ آب‌پز ورقلمبیده  
است و به‌خاطر همین همه بهش می‌گویند دکترچشم‌مگسی)  
و بابا هم این‌قدر مشغول حل و فصل بحران‌های شورای شهر  
نبود، آن وقت شاید آن‌ها می‌توانستند بحران‌های پلاک ۷۳  
خیابان رولینز رود (یعنی خانه‌مان) را حل کنند.

پس همان‌طور که می‌بینید، من خیلی هم تقصیرکار نیستم.  
اما این آهن‌ربای دردسربودن، وقتی تصمیم می‌گیری زندگی  
تازه‌ای شروع کنی، خیلی خیلی اعصاب خردکن می‌شود.  
منظورم وقتی است که تصمیم می‌گیری دیگر هیچ‌وقت  
دردسر درست نکنی و خوب، این با خاصیت آهن‌ربایی‌ات  
اصلاً جور در نمی‌آید.

ماجرا این بود که من و مامان بزرگ و بری (گره‌ی مامان بزرگ)



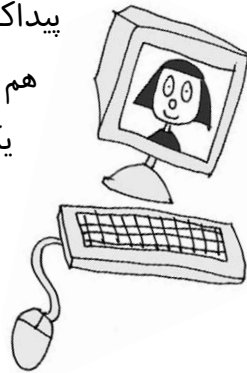


## جِس میفائیل

تصویرهای این کتاب را «جِس» کشیده. جِس عاشق این است که با رنگ‌های روشن و طرح‌های خیالی، شخصیت‌های بامزه بسازد و

مردم را بخنداند. توی دنیا بیشتر از همه جا خانه‌ی نقلی‌اش را دوست دارد. خانه‌ای که توی آن با حیوان کوچولوش زندگی می‌کند. بیشتر از همه وقتش را به این کارها می‌گذراند: طراحی، اسکن کردن، قلم زدن، چاپ، قالب زدن و بعضی وقت‌ها هم کارکردن با کامپیوتر وحشتناکش. جِس عاشق چرخ زدن و پیدا کردن چیزهای محشرِ عجیب و غریب است، آن

هم توی بازارچه‌های اجناس دست‌دوم و خیریه‌ها. یک روز خوب برای او روزی است که لم بدهد توی یک ساحل آفتابی و یک عالمه خورشیدِ کاری و بستنی بخورد. (البته نه با هم!)



## جوآنا نارین

«جوآنا» این کتاب، و یک عالم کتاب دیگر مثل این نوشته. ریزه‌میزه، بامزه، باهوش، آب‌زیرکاه و عاشق موسیقی است. قبل از آنکه نویسنده بشود، همیشه

دلش می‌خواست ستاره‌ی نمایش یا قهرمان سوارکاری باشد، اما به جایش کارهای دیگری کرد: نجات‌گریقی استخر، گویندگی اخبار رادیو، نظافت خانه‌ی سالمندان و شعبده‌بازی. عاشق این است که برای صبحانه عصاره‌ی مالت روی نان تُست بخورد و مربا روی نان تُست، دِسِرَش باشد. یک روز

خوب برای جوآنا روزی است که شیرینی بپزد، توی

اینترنت بچرخد، توی کافه‌های پاریس بنشیند

و با دخترش (که او را خیلی یاد پنی‌قشقرق

می‌اندازد) بازی کند.



# پینی قشقرق

مجموعه‌ی شش جلدی

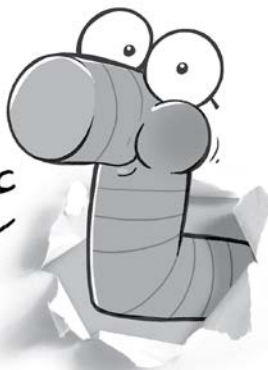


من کلی قشقرق دیگر هم به پا کرده‌ام.  
آن‌ها را هم بفوانید.



# عجیبه که آدمیزاد کتاب هاش رو نمی خوره!

هوپا، ناشر کتاب‌های خوردنی



نشر هوپا همگام با ناشران بین‌المللی، از کاغذهای مرغوب با زمینه‌ی کرم استفاده می‌کند؛ زیرا:  
■ این کاغذها نور را کمتر منعکس می‌کند و در نتیجه، چشم هنگام مطالعه کمتر خسته می‌شود؛  
■ این کاغذها سبک‌تر از کاغذهای دیگر است و جابه‌جایی کتاب‌های تهیه‌شده با آن، آسان‌تر است؛  
■ و مهم‌تر از همه اینکه برای تولید این کاغذها درخت کمتری قطع می‌شود.

..... به امید دنیایی سبزتر و سالم‌تر .....